

## بررسی رابطه بین هوش هیجانی با رشد تحصیلی در بین دانشجویان

دکتر علیرضا کیا<sup>۱</sup> و دکتر اعظم حیدری<sup>۲</sup>

تاریخ وصول: ۹۵/۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۵/۸/۱۱

چکیده:

هوش عاطفی به عنوان عامل موفقیت در بسیاری از جنبه‌های زندگی مورد توجه قرار گرفته است. لذا این تحقیق با هدف بررسی ارتباط بین هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان انجام گرفت. این پژوهش از نوع کاربردی بوده و از روش‌های توصیفی و همبستگی به گردآوری داده‌ها پرداخته شده است. برای جمع‌آوری داده‌های این پژوهش از پرسشنامه‌ی استاندارد شده‌ی هوش هیجانی سبیریا شیرینگ و به عنوان شاخص پیشرفت تحصیلی از معدل دانشجویان استفاده شده است. جامعه‌ی آماری مورد مطالعه شامل ۱۸۲۹ نفر دانشجو بود. که ۳۵۸ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از این جامعه انتخاب گردید. نتایج این پژوهش نشان داد که: ۱- بین میزان هوش هیجانی و تمام مؤلفه‌های آن با رشد تحصیلی همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد، ۲- میانگین نمره‌ی دختران در مؤلفه‌های خودآنگیزی و خودکنترلی هوش هیجانی از میانگین نمره‌ی پسران در این مؤلفه‌ها بیشتر است، ۳- بین میانگین نمره‌ی پسران و میانگین نمره‌ی دختران در دیگر مؤلفه‌های هوش هیجانی تفاوتی معنی‌داری وجود ندارد، ۴- میانگین نمره‌ی میزان رشد تحصیلی پسران و دختران تفاوت معنی‌داری ندارند. روندهای کلی نشان می‌دهند که علاوه بر توانایی‌های شناختی، با آموزش مهارت‌های هوش هیجانی و پرورش مؤلفه‌های آن در دانشجویان می‌توان مهارت‌های تحصیلی آنان را به میزان چشم‌گیری افزایش داد.

مفاهیم کلیدی: هوش هیجانی، رشد تحصیلی، هوشیاری اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی

<sup>۱</sup> عضو هیأت علمی گروه مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر (نویسنده‌ی مسئول)  
modirkia@yahoo.com

<sup>۲</sup> معاون فرهنگی آموزش و پرورش (دبیرستان) شهرستان دزفول  
ah3ana@yahoo.com

## مقدمه و بیان مسأله

پژوهش و تحقیق در ارتباط با معضلات و نارسایی‌های جوانان در هر کشور بالاخص بر روی قشر دانشجو که چشم امید مردم و مسئولین به رشد و شکوفایی آنان برای آینده‌ی آن کشور است، ضروری است. اهداف آموزشی و غایت‌های پرورشی نظام آموزش و پرورش هر کشور، به دنبال پرورش شخصیتی کامل بوده که در نهایت بتواند برای خود و جامعه‌ی خویش مفید واقع گردد. لذا در راستای رسیدن به چنین اهدافی، تحقیق در مورد عوامل مؤثر بر رشد و شکوفایی فرزندان آن کشور در زمینه‌های تحصیلی ضروری است. تحقیقات نشان می‌دهند که عوامل و متغیرهای شخصی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اخلاقی و روحی - روانی بسیاری بر رشد افراد به‌ویژه رشد تحصیلی آنان می‌تواند مؤثر باشد. یکی از مهمترین این عوامل که تا کنون بسیار مورد تحقیق و پژوهش قرار گرفته است، عامل هوش یا همان ضریب هوشی افراد بوده است. که تاکنون تصور می‌شد مهم‌ترین و تنها عامل موفقیت در انسان همین عامل است. اما تجارب و تحقیقات جدید خط بطلانی بر این ادعا زده به طوری که امروزه این نظریه را مورد تردید قرار داده است. هوش هیجانی مفهوم جدیدی است که امروزه نظر اندیشمندان و نظریه‌پردازان بسیاری را به خود جلب نموده است. هوش هیجانی، اصطلاح فراگیری است که مجموعه‌ی گسترده‌ای از مهارت‌ها و خصوصیات فردی را در بر گرفته و معمولاً به آن دسته مهارت‌های درون فردی و بین فردی اطلاق می‌گردد که فراتر از حوزه‌ی مشخصی از دانش‌های پیشین، چون بهره‌ی هوشی (*IQ*) و مهارت‌های فنی یا حرفه‌ای است.

## چهارچوب نظری پژوهش

از قدیم‌الایام اعتقاد بر این بود که انسان موجودی خردمند است که آزادانه اهداف خود را انتخاب و درباره‌ی راه و رسم زندگی و کنش خود عاقلانه تصمیم می‌گیرد و مفهومی تحت عنوان هیجان در انسان معنایی نداشت. فلاسفه نیز تا قرن ۱۷ و ۱۸ بر مفهوم خردگرایی انسان اعتقاد داشتند تا اینکه در اوایل قرن ۱۸ دیوید هیوم فیلسوف تجربه‌گرای انگلیسی موضوع برتری عقل و خرد بر هیجان را به چالش کشید (اسدی، ۲۰۰۸: ۴۱-۵۶). علاوه بر هیوم، چارلز داروین در سال ۱۸۳۷ و ۱۸۷۲ مدعی بود که ابراز عواطف (هیجان) در رفتار سازگاران‌هی افراد نقش اساسی ایفا می‌نماید. هر دو فلسفه‌ی هیوم و تحقیقات داروین در زمینه‌ی هیجان، تفکری را که عقل (خرد و منطق) را برتر از

هیجان می‌دانست به چالش کشید و جایگاه هیجان را نیز در معادلات رفتار ذهنی باز کرد (نوری امامزاده‌ای و نصیری، ۱۳۸۴).

ریشه‌ی دیگری از مفهوم هوش هیجانی را می‌توان در نظریه‌ی هوش اجتماعی ثرندایک جستجو کرد که آن را به‌عنوان توانایی درک دیگران و رفتار عاقلانه در ارتباطات انسانی تعریف کرده است. وی برای اولین بار اصطلاح هوش اجتماعی را در تبیین رفتار و کردار انسان به کار گرفت (وونگ و کنیس، ۲۰۰۲).

برخی معتقدند، پیشینه‌ی هوش هیجانی را می‌توان در ایده‌ها و نظرات وشلر (۱۹۴۳)، به هنگام تبیین جنبه‌های غیر شناختی هوش عمومی، جست و جو کرد. وشلر در گزارش سال ۱۹۴۳ خود درباره‌ی هوش می‌نویسد، "کوشیده‌ام، نشان دهم که علاوه بر عوامل هوشی، عوامل غیر هوشی ویژه‌ای نیز وجود دارند که می‌توانند رفتار هوشمندانه را مشخص نمایند. نمی‌توانیم هوش عمومی را مورد سنجش قرار دهیم مگر این که آزمون‌های هوشی، معیارهایی برای سنجش عوامل غیر هوشی در بر داشته باشند" (سبحانی‌نژاد و یوزباشی، ۱۳۸۷: ۲۲).

اصطلاح هوش هیجانی طی دهه‌ی ۱۹۹۰ توسط جان مایر و پیتر سالوی برای اولین بار در چندین مقاله مطرح شد. این دو روان‌شناس هوش هیجانی را "توانایی فرد برای کنترل هیجانات خود و دیگران، تمایز میان اثرات مثبت و منفی هیجانات و استفاده از اطلاعات هیجانی برای راهنمایی فرایند تفکر و اقدامات خود" تعریف کرده‌اند. هوش هیجانی فقط هیجانی بودن یا کنترل هیجان نیست بلکه هر دوی این‌ها می‌باشد، یعنی بدانیم چه موقع بروز هیجانات، موفق عمل می‌کند و چه موقع مشکل‌زا و دردسرساز است. به‌عبارت دیگر ما با هوش هیجانی به مدیریت هیجانات پرداخته و از این‌رو بیانگر فرایند پیچیده‌ای است که هیجانات و ادراکات را به یکدیگر مرتبط می‌سازد؛ همچنین در تعریفی دیگر مایر و سالووی (۲۰۰۰)، معتقدند: هوش هیجانی امکان تفکر با خلاقیت بیشتر و استفاده از احساسات و هیجانات برای حل مشکلات را فراهم می‌سازد. آن‌ها بر این باورند که هوش هیجانی نوعی از هوش اجتماعی است که مستلزم توانایی نظارت بر هیجانات خود و دیگران، تمایزگذاری میان آن‌ها و استفاده از اطلاعات برای راهنمایی تعقل و اقدامات شخصی است.

بار - آن (۲۰۰۰)، در پی یافتن پاسخی برای این سؤال که چرا برخی افراد نسبت به برخی دیگر در ابعاد مختلف زندگی موفق‌ترند؟ به تحقیقات بسیاری دست زده است. پاسخ به این سؤال مستلزم، مرور کامل عواملی است که تصور می‌شود، موفقیت کامل را رقم

می‌زند و سلامت هیجانی را موجب می‌شوند. بار - آن دریافت که تنها کلید موفقیت و تنها عامل پیش‌بینی کننده‌ی موفقیت این افراد، هوش عمومی نیست بلکه هوش هیجانی نیز در این امر دخیل است. همبستگی بین هوش هیجانی و هوش عمومی، بر حسب ابزار مورد استفاده از درجات متفاوتی برخوردار است. بین هوش هیجانی و ابعاد مختلف هوش عمومی با توجه به این که کدام بُعد از ابعاد هوش عمومی مورد توجه قرار بگیرد، درجات متفاوتی از همبستگی وجود دارد.

دانیل گلمن اولین کسی است که مفهوم هوش هیجانی را وارد عرصه‌ی مفاهیم سازمانی نمود. گلمن هوش هیجانی را استعداد، مهارت و یا قابلیت‌هایی که عمیقاً تمامی توانایی‌ها را به وسیله‌ی تسهیل یا مداخله تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد، تعریف نموده است. گلمن (۱۹۹۵)، معتقد است در واقعیت امر، دو ذهن فعال داریم که یکی فکر می‌کند و دیگری احساس می‌کند. این دو راه اساساً متفاوت، در کنشی متفاوت، حیات روانی ما را می‌سازند. ذهن خردگرا همان فهم است که ما به آن آگاهییم اما در کنار آن نظام دیگری برای دانستن وجود دارد که نظامی تکانشی یا ذهن هیجانی است. این دو ذهن، خردگرا و هیجانی در اکثر موارد بسیار هماهنگ عمل می‌کنند. ذهن خردگرا و هیجانی نیروهای مستقل و در عین حال در هم تنیده‌ای هستند که هر یک، نتیجه‌ی فعالیت متمایزبخش خاص خود در مغز می‌باشند.

مغز انسان دارای دو نوع متفاوت از هوش (شناختی و غیر شناختی) است؛ که برای ساختن زندگی فرد علیرغم متفاوت بودن، دائماً با هم در تعامل هستند. در جریان رشد آدمی دو مغز در او پدید می‌آید. این دو مغز هم‌سان، نیم‌کره‌های راست و چپ مغز می‌باشند. اولین مغز یا مغز هیجانی انسان در نیم‌کره‌ی راست است که در نتیجه در آغاز، آن عمل می‌کند و سپس مغز دوم که در نیم‌کره‌ی چپ است، فعال می‌شود. مغز دوم، مغز منطقی نام دارد و حاوی اطلاعاتی است که روش‌های استدلال، مبانی رفتار درست، قواعد و قوانین فرهنگی را می‌آموزد. به عبارتی دیگر ما به‌طور غریزی عمل می‌کنیم، سپس سعی می‌کنیم برای نتایج و عواقب اعمال خود دلیل منطقی ارائه نماییم. تقریباً می‌توان ادعان داشت که نود درصد اعمال ما احساسی و تنها ده اعمال بر اساس تفکر و منطق است. انسان در واقع دارای دو ذهن فعال می‌باشد که یکی فکر می‌کند و دیگری احساس می‌کند. این دو بخش اساساً متفاوت در کنشی متفاوت، حیات روانی ما را می‌سازند. ذهن خردگرا همان فهم است که ما به آن آگاهی داریم اما در کنار آن نظام دیگری برای دانستن وجود دارد که نظامی تکانشی یا همان ذهن هیجانی است. این دو ذهن، خردگرا و هیجانی در

بسیاری از موارد به‌طور هماهنگ عمل می‌نمایند. احساس لازم‌ه‌ی فکر و فکر لازم‌ه‌ی احساس است. زمانی که هیجان‌ها به غلیان درآیند، این تعادل به هم می‌خورد و در این‌گونه موارد ذهن هیجانی در مکان برتر قرار می‌گیرد و بر ذهن خردگرا مسلط می‌شود (گلمن، ۱۹۹۵).

به‌طور مختصر می‌توان گفت که هوش شناختی به ما می‌گوید چه کاری را ما می‌توانیم انجام دهیم در حالی که هوش هیجانی به ما می‌گوید چه کاری را باید انجام دهیم. هوش شناختی شامل توانایی‌هایی برای یادآوری، تفکر منطقی و انتزاع است در حالی که هوش هیجانی به نحوه‌ی استفاده از هوش شناختی در جهت موفقیت در زندگی مرتبط است.

امروزه می‌توان اذعان داشت، هوش هیجانی جدیدترین تحول در فهم ارتباط تعقل و هیجان است که به رغم دیدگاه‌های اولیه، نوعی نگاه واقع‌بینانه‌تر از انسان می‌دهد. انسان نه منطقی صرف و نه احساس و هیجان صرف بلکه ترکیبی از هر دو است. توانایی شخص برای سازگاری و چالش در زندگی به عملکرد منسجم قابلیت‌های هیجانی و منطقی وی بستگی دارد.

گاردنر معتقد است که یک نوع واحد و یکپارچه‌ی هوش نیست که موفقیت را در زندگی تضمین می‌کند، بلکه هوش شامل طیف گسترده‌ای است که سبب موفقیت فرد در جنبه‌های مختلف زندگی می‌شود؛ بنابراین دانستن این نکته که فرد، فارغ‌التحصیل ممتازی است، تنها به این معنی است که او در جنبه‌هایی که با نمره سنجیده می‌شود بسیار موفق بوده است، لیکن درباره‌ی اینکه او به فراز و نشیب‌های زندگی اجتماعی چه واکنشی نشان می‌دهد، هیچ‌گونه اطلاعاتی به ما نمی‌دهد (گاردنر، ۱۹۸۳).

هوش هیجانی ظرفیت انسان را در شناخت احساسات خود و دیگران تعیین و کمک می‌کند تا در خود ایجاد انگیزش کرده و هیجان‌ات خود را کنترل و روابط اجتماعی خود با دیگران را بر این اساس، پی‌ریزی نماییم (گلمن، ۱۹۹۸). همچنین گلمن هوش هیجانی را مهارتی می‌پندارد که دارنده‌ی آن می‌تواند از طریق خودآگاهی، روحیات خود را کنترل و از طریق خود مدیریتی آن را بهبود بخشد. از طریق همدلی، تأثیر آن‌ها را درک و از طریق مدیریت روابط به شیوه‌ای رفتار کند که روحیه‌ی خود و دیگران را بالا برد (خائف‌الهی و دوستار، ۱۳۸۲: ۶۲-۵۲).

هوش هیجانی مجموعه‌ای از توانایی‌ها، قابلیت‌ها و مهارت‌ها است که فرد را برای سازگاری مؤثر با محیط و نیل به موفقیت در زندگی تجهیز می‌کنند (بار - آن، ۱۹۹۹).

همچنین هوش هیجانی سلسله‌ای از توانایی‌های غیر شناختی، قابلیت‌ها و مهارت‌ها است که بر توانایی افراد اثر می‌گذارد به گونه‌ای که آنان را قادر می‌سازد بر فشارهای محیطی غلبه کنند (بار - آن، ۲۰۰۵).

بر اساس مجموع تعاریف فوق می‌توان، هوش هیجانی را توانایی تشخیص، فهم، تمیز، اولویت‌بندی، کنترل و مدیریت هیجانات در تعاملات فردی و اجتماعی به منظور کمک به یکدیگر و رسیدن به اهداف فردی، گروهی و سازمانی تعریف نمود؛ همچنین از بین تعاریف فوق می‌توان چنین استنباط نمود که همان‌گونه که انسان برای فهم منطقی امور و تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی فردی و اجتماعی خویش نیاز به ذهن منطقی و تعقل دارد برای هدایت کردن تفکر و هوش شناختی و نیز شناخت بهتر وقایع و امور، نیاز به داشتن هوش هیجانی و درک احساسات خود و دیگران در ارتباط با آن امور است.

### پیشینه پژوهش

#### الف) تحقیقات داخلی

تحقیقات نشان می‌دهند که بین موفقیت تحصیلی و موفقیت شغلی با هوش هیجانی پرستاران رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد (صالحی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۳۷-۶۲۹). پژوهش‌ها بین زنان و مردان در برخورداری از هوش هیجانی و استفاده از آن در کار و زندگی تفاوت‌هایی را نشان می‌دهند (بنی‌هاشمیان، ۱۳۸۹: ۴۵-۵۰). در یک پژوهش دیگر که با هدف بررسی اثر جنسیت، تخصص و تحصیلات بر هوش هیجانی بر روی ۱۴۰ نفر از مدیران مدارس دوره‌های مختلف تحصیلی انجام شد، نتایج نشان داد که میزان هوش هیجانی مدیران زن و مرد متفاوت است و زنان نمره‌ی بالاتری نسبت به مردان در هوش هیجانی کسب نمودند (حسن‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۹-۱).

در پژوهشی که با هدف بررسی رابطه‌ی هوش هیجانی و مهارت‌های طراحی و پیشرفت تحصیلی بر روی ۶۵ نفر از دانشجویان رشته‌ی معماری دانشگاه غیر انتفاعی شهر دیلمان انجام شد، نتایج نشان داد که بین هوش هیجانی با دو شاخص طراحی معماری و پیشرفت تحصیلی دانشجویان هیچ‌گونه ارتباط معنی‌داری وجود ندارد؛ همچنین بین پسران و دختران در میزان هوش هیجانی تفاوتی مشاهده نشد (نازی دیزجی، ۱۳۹۱: ۱۲۰-۱۰۹).

در تحقیق دیگری که به منظور بررسی رابطه‌ی بین فعالیت تحصیلی، انگیزه‌ی پیشرفت، هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی بر روی ۴۱۵ نفر از دانش‌آموزان دبیرستانی

سال سوم علوم تجربی (۲۶۱ دختر و ۱۵۴ پسر) در شهر تهران انجام شد نتایج نشان داد که از میان ۱۶ متغیر پیش‌بین فقط ۶ متغیر جنسیت، درستی انجام تکلیف، تحصیلات مادر، سن دانش‌آموز و درگیری والدین در امر تحصیل ضرایب معناداری برای پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارند (لواسانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۹۹-۱۲۳).

در پژوهشی که با هدف بررسی رابطه‌ی هوش هیجانی، خودپنداره و عزت نفس با پیشرفت تحصیلی بر روی ۴۰۰ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی انجام پذیرفت، نتایج نشان داد که بین هوش هیجانی، خودپنداره و عزت نفس با پیشرفت تحصیلی رابطه‌ی معنی‌داری وجود ندارد؛ همچنین یافته‌ها نشان داد که بین هوش هیجانی و خودپنداره‌ی دانشجویان پسر و دختر تفاوتی وجود ندارد، اما میزان عزت نفس دانشجویان دختر بیش از دانشجویان پسر است. بنابراین در بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی نمی‌توان فقط بر سازه‌های روان‌شناختی مانند هوش هیجانی، خودپنداره و عزت نفس تأکید کرد (تمنایی‌فر و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۹-۱۱۳).

در تحقیق دیگری که بر روی ۱۲۰ نفر که ۶۰ نفر آنان از دانش‌آموزان تیزهوش (۳۰ نفر دختر و ۳۰ نفر پسر) و ۶۰ نفر دیگر از دانش‌آموزان عادی (۳۰ نفر دختر و ۳۰ نفر پسر) انجام شد نتایج نشان داد که بین هوش هیجانی دانش‌آموزان تیزهوش و دانش‌آموزان عادی تفاوتی وجود ندارد؛ همچنین در این پژوهش نتایج مؤید آن بود که بین هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. اما بین پسران و دختران در میزان هوش هیجانی تفاوت معنی‌داری مشاهده گردید که نشان داد میزان هوش هیجانی در دختران بیشتر از میزان هوش هیجانی پسران است (خلیلی آذر، ۱۳۸۶: ۱۲۴-۱۰۷).

در پژوهشی که با هدف بررسی رابطه‌ی هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی بر روی ۱۱۲ نفر از دانشجویان رشته‌ی روان‌شناسی بالینی مشغول به تحصیل در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر انجام شد نتایج نشان داد که بین نمره‌ی کلی هوش هیجانی و برخی مؤلفه‌های آن با پیشرفت تحصیلی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد؛ همچنین بین سن با هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن رابطه‌ی معنی‌داری یافت شد. ضمناً در مورد رابطه‌ی هوش هیجانی با جنسیت، نتایج نشان داد که بین دختران و پسران در نمره‌ی کلی هوش هیجانی تفاوت معنی‌داری وجود نداشته اما در مؤلفه‌های احساس خوش‌بختی و استقلال عمل بین پسران و دختران مورد مطالعه تفاوت معنی‌دار وجود دارد (ثمری و طهماسبی، ۱۳۸۶: ۱۲۸-۱۲۱).

در پژوهشی که توسط مهدی‌آبادی و همکاران (۲۰۱۶)، انجام شد، نتایج نشان داد که هوش هیجانی یک رابطه‌ی نزدیک با پیشرفت تحصیلی و یک نیاز مهم برای موفقیت تحصیلی است. بنابراین می‌توان ادعا کرد که معلمان باید تلاش زیادی برای افزایش سطوح بالاتر هوش هیجانی و فعال‌تر کردن هوش بین فردی و درون فردی به منظور بهبود عملکرد یادگیرندگان در کلاس درس بنمایند (مهدی‌آبادی و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۰۱-۸۶). در تحقیقی که با هدف بررسی رابطه‌ی بین هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی بر روی ۱۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد جنوب تهران انجام شد، نتایج نشان داد که ارتباط معنی‌داری بین هوش هیجانی، دانشجویان ترم آخر و درجه‌ی مدرک تحصیلی وجود ندارد. همچنین نتایج نشان داد که رابطه‌ی معنی‌داری بین هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن (خود آگاهی، خود مدیریتی، آگاهی اجتماعی و مدیریت ارتباط) با پیشرفت تحصیلی وجود دارد (کاشانی، ۲۰۱۲).

### ب) تحقیقات خارجی

مطالعات درباره‌ی بررسی رابطه‌ی بین هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی نتایج متفاوتی را نشان داده است. به‌عنوان مثال هوش هیجانی پیش‌بینی‌کننده‌ی معدل کل در پایان سال تحصیلی می‌باشد (اسچاوت و همکاران، ۱۹۹۸). بر اساس تحقیق دیگر همبستگی کم ولی معنی‌دار بین موفقیت تحصیلی با هوش هیجانی به دست آمد (روزل و همکاران، ۲۰۰۲). یافته‌های دیگر نشان‌دهنده‌ی نقش تعدیل‌کنندگی هوش هیجانی در همبستگی بین توانایی شناختی و عملکرد تحصیلی است. (پدریدز و همکاران، ۲۰۰۴). همچنین در یک بررسی دیگر نتایج نشان داد که دانش‌آموزان موفق نسبت به دانش‌آموزان ناموفق در سه عامل از چهار عامل هوش هیجانی (توانایی درون فردی، مدیریت استرس و سازگاری)، نمره‌ی بالاتری را به دست آوردند (پارکر و همکاران، ۲۰۰۴). در پژوهشی که بر روی ۳۱۰ دانش‌آموز سال اول آموزشگاه‌های دولتی و خصوصی با هدف بررسی رابطه‌ی بین هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی در شهر پودوچری هندوستان انجام گرفت، نتایج مؤید وجود همبستگی بالا بین هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی بوده و هوش هیجانی به‌عنوان عامل پیش‌بینی‌کننده‌ی پیشرفت تحصیلی و موفقیت دانش‌آموزان نشان داده شد (روسالیند پراب‌ها، ۲۰۱۵: ۲۶۳-۲۵۹).

در پژوهشی که با هدف بررسی نقش تعدیل‌کنندگی هوش هیجانی بر رابطه‌ی بین خودکارآمدی و پیشرفت تحصیلی بر روی ۳۰۰ دانشجوی مقطع کارشناسی ۱۷ تا ۱۹ ساله



در نیجریه انجام شد؛ نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون و ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که هوش هیجانی اثر تعدیل‌کنندگی در رابطه‌ی بین خودکارآمدی و پیشرفت تحصیلی داشته و قرار دادن آموزش و پرورش هوش هیجانی را در برنامه‌ی درسی مقطع کارشناسی پیشنهاد نمود (ادیمو، ۲۰۰۷).

تحقیقاتی که در ارتباط مستقیم‌تری با موضوع این پژوهش بوده‌اند تاکنون نتوانسته‌اند نتایج یکسان و یا مشابهی را نشان دهند و در برخی موارد حتی نتایج متناقضی را نشان داده‌اند که احتمالاً این تفاوت‌ها ناشی از تفاوت در ابزارهای سنجش و نمونه‌های متفاوت باشد؛ لذا وجود این تفاوت‌ها ما را بر آن داشت تا به بررسی بیشتر این موضوع بپردازیم.

### روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش با توجه به هدف تحقیق، روش کاربردی است که با هدف شناسایی یکی از عوامل مهم و مؤثر در رشد تحصیلی و به منظور کاهش آثار مخرب افت تحصیلی انجام پذیرفته است. از نظر روش گردآوری داده‌ها با توجه به اینکه محقق در ایجاد و یا تقویت هوش هیجانی و یا رشد تحصیلی هیچ‌گونه دخل و تصرفی ایجاد ننموده و هیچ‌گونه تغییری توسط محقق دستکاری نشده است روش تحقیق پیمایشی بوده و محقق به بررسی میزان همبستگی بین متغیرها پرداخته که نوع تحقیق بررسی همبستگی بوده است.

برای جمع‌آوری داده‌های آماری مورد استفاده در این پژوهش از پرسشنامه‌ی استاندارد شده‌ی هوش هیجانی سیبریا شیرینگ استفاده شده است و به‌عنوان شاخص پیشرفت تحصیلی از معدل دانشجویان استفاده شده است. جامعه‌ی آماری مورد مطالعه شامل ۱۸۲۹ نفر دانشجویان رشته‌های مدیریت با گرایش‌های دولتی و صنعتی مشغول به تحصیل در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر بود که ۳۵۸ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از این جامعه‌ی آماری انتخاب گردید. روش‌های آماری مورد استفاده در این تحقیق ضریب همبستگی پیرسون و آزمون  $t$  بوده است.

برای به دست آوردن داده‌های مرتبط با هوش هیجانی و سایر متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش از دو پرسشنامه استفاده شده است. پرسشنامه‌ی اول یک پرسشنامه‌ی خود ساخته جهت گرفتن اطلاعات فردی و معدل نمره‌ی کل دانشجویان و پرسشنامه‌ی دوم جهت سنجش میزان هوش هیجانی مورد استفاده قرار گرفته است. انتخاب معدل نمره‌ی

کل دانشجویان به‌عنوان معیار رشد تحصیلی، به علت روشن بودن، عینی بودن و همچنین قابل سنجش بودن این معیار بود. در زیر مشخصات کامل این پرسشنامه‌ها آمده است.

پرسشنامه‌ی هوش هیجانی سیبریا شرینگ دارای ۳۳ ماده است که ۵ مؤلفه‌ی هوش هیجانی را می‌سنجد. نمره‌گذاری این پرسشنامه در مقیاس لیکرت پنج قسمتی می‌باشد. مؤلفه‌های هوش هیجانی عبارت از خودانگیزی، خودآگاهی، خودکنترلی، هوشیاری اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی بوده که یکی از دلایل انتخاب این آزمون نیز همین مشخصه، یعنی قابلیت سنجش همه‌ی ابعاد هوش هیجانی بود. هر سؤال این پرسشنامه حاکی از یک موقعیت در زندگی است و آزمودنی باید حضور خود را در آن موقعیت فرض کرده و یکی از گزینه‌ها که با حالات روحی او تطابق بیشتری دارد را انتخاب نماید. در بررسی پایایی این آزمون، میزان همسانی درونی با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شده است. میزان آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های هوش هیجانی و کل آزمون در جدول ۱ آمده است.

**جدول ۱: میزان آلفای کرونباخ هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن**

مؤلفه‌ی خودآگاهی = ۰/۵۹	مؤلفه‌ی خودانگیزی = ۰/۵۴	کل آزمون = ۰/۸۴
مؤلفه‌ی مهارت‌های اجتماعی = ۰/۵۱	مؤلفه‌ی هشیاری اجتماعی = ۰/۵۱	مؤلفه‌ی خودکنترلی = ۰/۶۴

در بررسی روایی سازه‌ی این آزمون، همبستگی نمرات افراد در این آزمون و آزمون عزت نفس، کوپراسمیت بر روی نمونه‌ی ۳۰ نفری مورد بررسی قرار گرفت و بر اساس اطلاعات بدست آمده ( $r=0/63$ ) میزان همبستگی بین نمرات آزمودنی‌ها در هر دو آزمون از لحاظ آماری معنادار بوده است و می‌توانیم بگوییم، آزمون هوش هیجانی سیبریا شرینگ از روایی سازه‌ی کافی برخوردار است (منصوری، ۱۳۸۰).

پرسشنامه‌ی دیگر که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت پرسشنامه‌ی خود ساخته‌ای بوده که در آن مشخصاتی همچون سن، جنسیت، وضعیت تأهل، تعداد واحد گذرانده، تعداد واحد مردودی، تعداد نیمسال مشروطی، معدل کل دوره تا زمان تکمیل پرسشنامه، وضعیت شغلی و میزان درآمد افراد انتخاب شده مورد سؤال قرار گرفت.

**فرضیه‌های پژوهش****فرضیه اصلی**

بین هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن در دانشجویان با میزان رشد تحصیلی آنان ارتباط دارد.

**فرضیه‌های فرعی**

۱- بین میزان هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن در دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.

۲- بین میزان رشد تحصیلی دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.

**یافته‌های پژوهش**

در جدول ۲ نتایج آمار توصیفی متغیرها، در کل افراد نمونه‌ی انتخاب شده در این مطالعه آمده است که در زیر به توصیف آن پرداخته شده است.

**جدول ۲: نتایج آمار توصیفی متغیرهای مورد مطالعه در کل افراد نمونه**

متغیرهای مورد مطالعه	میانگین	خطای استاندارد میانگین	میان	انحراف استاندارد	واریانس	کمترین	بیشترین
سن	۲۸/۸۹	۰/۵۰	۲۵	۹/۵۲	۹۰/۵۸	۱۹	۷۴
معدل کل	۱۴/۴۸	۰/۰۸	۱۴/۰۰	۱/۴۵	۲/۰۹	۱۲/۰۰	۱۸/۵۰
تعداد واحد گذرانده	۶۸/۳۵	۱/۹۸	۶۵/۰۰	۳۷/۵۵	۱۴۰۹/۸۳	۱۰	۱۴۳
تعداد واحد افتاده	۳/۰۵	۰/۲۴	۰/۰۰	۴/۵۸	۲۱/۰۰	۰	۳۰
تعداد ترم‌های مشروطی	۰/۴۰	۰/۰۵	۰/۰۰	۰/۹۱	۰/۸۲	۰	۶
خودانگیزی	۲۳/۵۵	۰/۲۰	۲۳/۰۰	۳/۷۳	۱۳/۹۴	۱۳	۳۵
خودآگاهی	۲۳/۶۵	۰/۱۹	۲۳/۰۰	۳/۶۱	۱۳/۰۱	۱۳	۳۶
خودکنترلی	۲۰/۵۹	۰/۲۵	۲۰/۰۰	۴/۷۲	۲۲/۲۵	۷	۳۳
هوشیاری اجتماعی	۱۸/۴۷	۰/۱۷	۱۹/۰۰	۳/۲۷	۱۰/۷۰	۱۰	۲۹
مهارت‌های اجتماعی	۱۳/۹۲	۰/۱۸	۱۴/۰۰	۳/۳۱	۱۰/۹۳	۷	۲۴
نمره‌ی هوش هیجانی	۱۰۰/۱۷	۰/۶۹	۱۰۰/۰۰	۱۳/۰۱	۱۶۹/۱۴	۶۰	۱۳۷

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود میانگین سن افراد مورد مطالعه حدود ۲۹ سال با انحراف استاندارد ۹/۵ و کمترین و بیشترین سن در این گروه ۱۹ و ۷۴ سال بوده است. میانگین معدل کل نمرات افراد مورد مطالعه ۱۴/۴۸ با انحراف استاندارد ۱/۴۵ و کمترین نمره معدل کل در این گروه معدل ۱۲ و بیشترین نمره معدل آنها ۱۸/۵۰ بوده است؛ همچنین در جدول فوق میانگین تعداد واحدهای گذرانده ۶۸/۳۵ با انحراف استاندارد ۳۷/۵۵ می‌باشد؛ ضمناً کمترین واحد گذرانده ۱۰ واحد و بیشترین واحد گذرانده ۱۴۳ واحد می‌باشد که این نشان‌دهنده‌ی این است که افراد مورد مطالعه نمونه‌ی تمامی دانشجویان این رشته با ورودی‌های مختلف می‌باشند. در مورد واحدهای افتاده و مردودی نیز با میانگین ۳/۰۵ و انحراف استاندارد ۴/۵۸ و نیز کمترین واحد افتاده‌ی صفر و بیشترین واحد مردودی ۳۰ گزارش شده است.

در جدول فوق همچنین آماره‌های مربوط به نمره‌ی هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن آمده است. میانگین و انحراف استاندارد مؤلفه‌ی خودانگیزی به ترتیب ۲۳/۵۵ و ۳/۷۲ می‌باشد کمترین نمره‌ی افراد مورد مطالعه در این مؤلفه ۱۳ و بیشترین نمره ۳۵ گزارش شده است. میانگین و انحراف استاندارد مؤلفه‌ی خودآگاهی به ترتیب ۲۳/۶۵ و ۳۶ بوده و کمترین نمره در این مؤلفه ۱۳ و بیشترین آن ۳۶ بوده است. در مورد مؤلفه‌ی خودکنترلی با میانگین ۲۰/۵۹ و انحراف استاندارد ۴/۷۲ کمترین نمره ۷ و بیشترین نمره ۳۳ گزارش شده است. مؤلفه‌ی هوشیاری اجتماعی با میانگین و انحراف استاندارد ۱۸/۴۷ و ۳/۲۷ و نیز کمترین نمره‌ی ۱۰ و بیشترین نمره‌ی ۲۹ گزارش شده است. در مورد مؤلفه‌ی مهارت‌های اجتماعی با میانگین ۱۳/۹۲ و انحراف استاندارد ۳/۳۱ کمترین نمره‌ی افراد مورد مطالعه ۷ و بیشترین نمره‌ی آنان ۲۴ گزارش شده است. نمره‌ی هوش هیجانی در کل افراد مورد مطالعه در این پژوهش با میانگین ۱۰۰/۱۷ و انحراف استاندارد ۱۳/۰۱، با کمترین نمره ۶۰ و بیشترین نمره ۱۳۷ گزارش شده است.

پارامترهای به‌دست آمده از تحلیل داده‌ها که برای آزمون فرضیه‌های تحقیق می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد در جداول مربوط به آزمون‌های همبستگی پیرسون و آزمون  $t$  استیودنت، که در ذیل آمده است قابل مشاهده می‌باشد. در ابتدا برای آزمون فرضیه‌ی اول این تحقیق "بین هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن در دانشجویان با میزان رشد تحصیلی آنان ارتباط وجود دارد." با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون به بررسی رابطه‌ی بین هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن با نمره‌ی معدل دانشجویان مورد مطالعه پرداختیم که نتایج آن در جدول ۳ آمده است.

## جدول ۳: نتایج آزمون همبستگی بین هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن با پیشرفت تحصیلی

## دانشجویان

متغیر مورد سنجش	معدل کل نمرات	خود انگیزی	خود آگاهی	خود کنترلی	هوشیاری اجتماعی	مهارت‌های اجتماعی	نمره‌ی هوش هیجانی
معدل نمرات	-						
خودانگیزی	** ۰/۵۵	-					
خودآگاهی	** ۰/۴۸	** ۰/۴۶	-				
خودکنترلی	** ۰/۶۳	** ۰/۵۴	** ۰/۳۶	-			
هوشیاری اجتماعی	** ۰/۴۲	** ۰/۴۱	** ۰/۳۳	** ۰/۴۷	-		
مهارت‌های اجتماعی	** ۰/۳۱	۰/۰۸	* ۰/۱۳	** ۰/۳۵	** ۰/۲۹	-	
نمره‌ی هوش هیجانی	** ۰/۷۱	** ۰/۷۴	** ۰/۶۶	** ۰/۸۲	** ۰/۷۰	** ۰/۵۱	-

\*\* همبستگی در سطح ۰/۹۹ اطمینان \* همبستگی در سطح ۰/۹۵ اطمینان

همان‌گونه که در جدول فوق آمده است نتایج آزمون همبستگی پیرسون در گروه مورد تحقیق در بررسی ارتباط بین نمره‌ی هوش هیجانی و همه‌ی مؤلفه‌های آن با پیشرفت تحصیلی (معدل کل نمرات) همبستگی بالا و معنی‌داری در سطح ۰/۹۹ اطمینان داشته است. میزان این همبستگی بین خودانگیزی با پیشرفت تحصیلی ۰/۵۵، همبستگی بین خودآگاهی با پیشرفت تحصیلی ۰/۴۸، همبستگی بین خودکنترلی با پیشرفت تحصیلی ۰/۶۳، ارتباط بین هوشیاری اجتماعی با پیشرفت تحصیلی ۰/۴۲، میزان همبستگی بین مهارت‌های اجتماعی با پیشرفت تحصیلی ۰/۳۱ و میزان همبستگی بین هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی ۰/۷۱ مشاهده گردید. لازم به ذکر است که بیشترین میزان همبستگی (۰/۷۱) بین نمره‌ی هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان مشاهده گردید. در بین میزان‌های همبستگی بین مؤلفه‌های هوش هیجانی، کمترین میزان همبستگی (۰/۳۱) بین مهارت‌های اجتماعی با پیشرفت تحصیلی، و بیشترین این میزان، همبستگی بین خودکنترلی با پیشرفت تحصیلی است.

در جدول فوق علاوه بر همبستگی بین هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن با پیشرفت تحصیلی، همبستگی بین مؤلفه‌های هوش هیجانی با یکدیگر و نیز با نمره‌ی کل هوش هیجانی آمده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود بالاترین همبستگی بین مؤلفه‌های هوش هیجانی با نمره‌ی کل هوش هیجانی (۰/۸۲) همبستگی بین مؤلفه‌ی خودکنترلی با نمره‌ی کل هوش هیجانی است و کمترین این میزان (۰/۵۱) همبستگی بین مؤلفه‌ی مهارت‌های اجتماعی با نمره‌ی کل هوش هیجانی است؛ همچنین بالاترین میزان

همبستگی بین مؤلفه‌های هوش هیجانی با همدیگر (۰/۵۴) بین دو مؤلفه‌ی خودانگیزی و خودکنترلی است و کمترین این میزان (۰/۰۸) بین دو مؤلفه‌ی خودانگیزی و مهارت‌های اجتماعی است؛ در ادامه برای آزمون فرضیه‌ی دوم و سوم این پژوهش "بین میزان هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن در دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد"؛ و "بین میزان رشد تحصیلی دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد". با استفاده از آزمون  $t$  استیودنت به بررسی تفاوت بین میانگین دو گروه زنان و مردان در متغیرهای مورد پژوهش پرداختیم که نتایج آن در جدول ۴ آمده است.

**جدول ۴: نتایج آزمون  $t$  استیودنت متغیرهای مورد مطالعه بر اساس جنسیت**

متغیرهای مورد سنجش	گروه‌ها	میانگین گروه‌ها	درجه‌ی آزادی	میزان $t$ استیودنت	سطح معنی‌داری
معدل نمرات	پسرها	۱۴/۴۲	۳۵۶	-۰/۹۸	۰/۳۳
	دخترها	۱۴/۵۸			
تعداد واحد گذرانده	پسرها	۶۹/۹۳	۳۵۶	۱/۰۳	۰/۳۱
	دخترها	۶۵/۷۲			
تعداد واحد مردودی	پسرها	۳/۳۹	۳۵۶	۱/۸۴	۰/۰۷
	دخترها	۲/۴۸			
تعداد نیمسال مشروطی	پسرها	۰/۴۲	۳۵۶	۰/۶۲	۰/۵۴
	دخترها	۰/۳۶			
خودانگیزی	پسرها	۲۳/۱۹	۳۵۶	-۲/۴۱	*۰/۰۲
	دخترها	۲۴/۱۶			
خودآگاهی	پسرها	۲۳/۶۰	۳۵۶	-۰/۳۴	۰/۳۶
	دخترها	۲۳/۷۳			
خودکنترلی	پسرها	۲۰/۱۴	۳۵۶	-۲/۳۲	*۰/۰۲
	دخترها	۲۱/۳۳			
هوشیاری اجتماعی	پسرها	۱۸/۵۳	۳۵۶	۰/۴۳	۰/۳۶
	دخترها	۱۸/۳۷			
مهارت‌های اجتماعی	پسرها	۱۴/۱۰	۳۵۶	۱/۳۵	۰/۱۸
	دخترها	۱۳/۶۱			
نمره‌ی هوش هیجانی	پسرها	۹۹/۵۵	۳۵۶	-۱/۱۷	۰/۲۴
	دخترها	۱۰۱/۲۱			

\* وجود تفاوت معنی‌دار آماری در سطح ۰/۹۵ اطمینان

همان‌گونه که از پارامترهای موجود در جدول فوق به دست می‌آید بین دختران و پسران در اکثر متغیرهای مورد بررسی تفاوت معنی‌دار آماری یافت نشد؛ و فقط در مؤلفه‌ی خودانگیزی با میزان  $t$  استیودنت (۲/۴۱-) با ۰/۹۵ اطمینان و همچنین در مؤلفه‌ی خودکنترلی با میزان  $t$  استیودنت (۲/۳۲-) با ۰/۹۵ اطمینان بین گروه‌های پسران و دختران تفاوت معنی‌دار مشاهده گردید.

تفاوت مشاهده شده بین میانگین دختران (۲۴/۱۶) و میانگین پسران (۲۳/۱۹) در مؤلفه‌ی خودانگیزی از نظر آماری در سطح ۰/۹۵ اطمینان معنی‌دار بوده و دختران در این مؤلفه توانایی بالاتری نسبت به پسران نشان داده‌اند.

همچنین تفاوت مشاهده شده بین میانگین دختران (۲۱/۳۳) و میانگین پسران (۲۰/۱۴) در مؤلفه‌ی خودکنترلی از نظر آماری در سطح ۰/۹۵ اطمینان معنی‌دار بوده و دختران در این مؤلفه توانایی بالاتری نسبت به پسران نشان داده‌اند.

پس به‌طور مختصر از اطلاعات موجود در جدول فوق می‌توان استنباط نمود که فرضیه‌ی سوم تحقیق رد و فقط در دو مؤلفه‌ی (خودانگیزی و خودکنترلی) از فرضیه‌ی دوم بین پسران و دختران تفاوت معنی‌دار آماری وجود دارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از آزمون همبستگی، بین هوش هیجانی و کلیه‌ی مؤلفه‌های آن با رشد تحصیلی (معدل کل نمرات) دانشجویان حاکی از وجود همبستگی بالا و معنی‌دار بین این متغیرها بوده است. لازم به توضیح است که میزان همبستگی بین متغیر رشد تحصیلی با نمره‌ی کل هوش هیجانی (۰/۷۱) و با مؤلفه‌های خودانگیزی (۰/۵۵)، خودآگاهی (۰/۴۸)، خودکنترلی (۰/۶۳)، هوشیاری اجتماعی (۰/۶۳) و نیز مؤلفه‌ی مهارت‌های اجتماعی (۰/۳۱) از نظر آماری در سطح ۰/۹۵ اطمینان معنی‌دار می‌باشد. هر چند نتایج تحقیقات بسیاری مؤید این نتایج می‌باشند، لیکن نتایج برخی از تحقیقات نیز برخلاف این نتایج بوده است. بیشترین و کمترین میزان همبستگی در بین مؤلفه‌های هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی به ترتیب در مؤلفه‌های خودکنترلی، خودانگیزی، خودآگاهی، هوشیاری اجتماعی و در آخر مؤلفه‌ی مهارت‌های اجتماعی بوده است.

بررسی نتایج آزمون آماری مقایسه‌ی میانگین دو گروه مستقل ( $t$ ) برای مقایسه‌ی میانگین دختران و پسران در میزان هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن، نشان‌دهنده‌ی عدم وجود تفاوت بین پسران و دختران در نمره‌ی کل هوش هیجانی و بسیاری از مؤلفه‌های آن بود. نتایج تحقیقاتی که در این پژوهش به‌عنوان پیشینه آمده است نیز مؤید نتایج این تحقیق می‌باشد. تنها در میزان میانگین مؤلفه‌ی خودانگیزی و خودکنترلی، بین پسران و دختران تفاوت معنی‌دار آماری در سطح ۰/۰۵٪ اطمینان مشاهده گردید. در مؤلفه‌ی خودانگیزی میانگین دختران (۲۴/۱۶) حدود یک نمره از میانگین پسران (۲۳/۱۹) بیشتر مشاهده شد. به‌عبارت دیگر تعهد و التزام به انجام امور و عدم دل‌سردی و یأس در مقابل ناکامی‌ها و نیز خوش‌بینی نسبت به آینده در دختران مورد مطالعه در این پژوهش بیشتر از پسران بود. که در این حالت دختران در مقابل دشواری‌ها، مقاومت بیشتری نشان داده و نسبت به رسیدن به اهداف خود نسبت به پسران راسخ‌تر بودند. میانگین نمره‌ی مؤلفه‌ی خودکنترلی نیز در دختران (۲۱/۳۳) حدود یک نمره بیشتر از میانگین نمره‌ی این مؤلفه در پسران (۲۰/۱۴) مشاهده گردید. به‌عبارت دیگر خودکنترلی و احاطه‌ی بر خود، مدیریت هیجانات خود، توانایی بازیافت هیجانی پس از یک صدمه‌ی هیجانی، توانایی بر عمل (ارادی) و نه بر واکنش (غیر ارادی)، ثبات در رفتارها در همه‌ی موقعیت‌ها، احساس مسئولیت در کار، انعطاف در برابر تغییرات و استقبال از نظرات جدید در بین دختران بیشتر از پسران مورد مطالعه در این تحقیق بود.

بررسی نتایج آزمون آماری مقایسه‌ی میانگین دو گروه مستقل ( $t$ ) برای مقایسه‌ی میانگین دختران و پسران در میزان رشد تحصیلی (معدل کل نمرات)، نشان‌دهنده‌ی عدم وجود تفاوت بین پسران و دختران در این متغیر بود. نتایج تحقیقاتی که در این پژوهش به‌عنوان پیشینه آمده است و نیز بسیاری از تحقیقات دیگر نیز مؤید نتایج این تحقیق می‌باشد.

در پایان با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش و استفاده از نتایج برخی تحقیقات دیگر که به‌عنوان پیشینه‌ی پژوهشی در این تحقیق آمده‌اند و نیز با توجه به اینکه برخلاف هوش منطقی، امکان آموزش و پرورش هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن، در انسان وجود داشته، پیشنهاد می‌گردد که آموزش و تقویت این بعد از ابعاد دانشجویان و حتی



دانش‌آموزان از سنین پایین مد نظر مسئولین آموزش و پرورش و نیز آموزش عالی قرار گیرد. و حتی‌المقدور دوره‌هایی سالانه هر چند کوتاه در مدارس و دانشگاه‌ها جهت تأمین این منظور در نظر گرفته شود تا با شناسایی نقاط قوت و ضعف این استعداد در فرزندان این مرز و بوم و پرورش کامل آن، گامی در جهت موفقیت جوانان در کلیه‌ی امور زندگی عاطفی، اجتماعی، تحصیلی و حتی شغلی آنان برداشته شده باشد.

**فهرست منابع:**

- اسدی، جوانشیر؛ برجعلی، احمد و جمهری، فرهاد (۲۰۰۸). "رابطه‌ی بین هوش هیجانی، فرسودگی شغلی و سلامت روان کارکنان شرکت ایران خودرو"، تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، جلد ۶، شماره‌ی ۲۲.
- افروز، غلامعلی و شیخ‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۰). "بررسی ارتباط بین هوش هیجانی با شادمانی اجتماعی در نوجوانان تیز هوش مقطع راهنمایی مدارس شهر تهران"، مجله‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی ایران، سال سوم، شماره‌ی دوم.
- بنی‌هاشمیان، کورش؛ بهرامی، هادی و مؤذن، منصور (۱۳۸۹). "رابطه‌ی سلامت عمومی و هوش هیجانی مدیران و رضایت شغلی معلمان"، مجله‌ی علوم رفتاری، دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۱.
- تمنایی‌فر، محمدرضا؛ صدیقی ارفعی، فریبرز و سلامی محمدآبادی، فاطمه (۱۳۸۹). "رابطه‌ی هوش هیجانی، خودپنداره و عزت نفس با پیشرفت تحصیلی"، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره‌ی ۵۶.
- ثمری، علی‌اکبر و طهماسبی، فهیمه (۱۳۸۶). "بررسی رابطه‌ی هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی در دانشجویان"، فصلنامه‌ی اصول بهداشت روانی، سال نهم، شماره‌ی ۳۵ و ۳۶.
- حسن‌زاده، رمضان و ساداتی کیادهی، سید مرتضی (۲۰۱۰). "بررسی میزان هوش هیجانی مدیران و ارتباط آن با خصوصیات جمعیت‌شناختی آن‌ها"، پژوهشنامه‌ی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، شماره‌ی بیستم.
- خائف الهی، احمدعلی و دوستار، محمد (۱۳۸۲). "ابعاد هوش هیجانی"، مدیریت و توسعه، شماره‌ی ۱۸.
- خلیلی آذر، هایده (۱۳۸۶). "مقایسه‌ی هوش هیجانی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی و رابطه‌ی آن با پیشرفت تحصیلی"، دانش و پژوهش در علوم تربیتی، شماره‌ی ۱۴.
- سبحانی‌نژاد، مهدی و یوزباشی، علیرضا (۱۳۸۷). هوش هیجانی و مدیریت در سازمان، تهران، یسپرون، ۲۲.
- غلامعلی لواسانی، مسعود؛ کیوان‌زاده و محمد، کیوان‌زاده، هدیه (۱۳۸۶). "رابطه‌ی فعالیت تحصیلی، انگیزه‌ی پیشرفت، هوش هیجانی و متغیرهای بافتی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان"، مجله‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال ۳۷، شماره‌ی ۱.
- منصوری، بهزاد (۱۳۸۰). بررسی روایی و پایایی آزمون هوش هیجانی سیبری شرینگ، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.

نازی دیزجی، سجاد (۱۳۹۱). "بررسی رابطه‌ی هوش هیجانی و مهارت‌های طراحی در دانشجویان معماری"، نشریه‌ی فناوری آموزش، سال هفتم، جلد ۷، شماره‌ی ۲. نوری امامزاده‌ای، اصغر و نصیری، حبیب‌اله (۱۳۸۴). هوش عاطفی در زندگی روزمره، سیاروچی، فورگاس، مایر (مؤلفین)، نشر نوشته، اصفهان.

Adeyemo, D. A. (2007). "Moderating Influence of Emotional Intelligence on the Link Between Academic Self-efficacy and Achievement of University Students", *Psychology Developing Societies* December, vol. 19 no. 2 199-213.

Bar-on, R. (1999). *The emotional quotient inventory (EQ-I): Technical and Manual*, Toronto, Canada: Multi-Health Systems, Inc.

Bar-on, R. (2005). *The Bar-on Model of Emotional Social Intelligence*; [www.eiconsortium.org](http://www.eiconsortium.org).

Bar-on, R; Parker, J. D. A. (2000). *The handbook of Emotional intelligence: theory, development, assessment, and application at home, school, and in the work place*; San Francisco: Josses-Bass.

Gardner H. (1983). "Frames of mind: the theory of multiple", *Intelligences*. New York: Basic Books, 86-91, 155.

Goleman, D. (1995). *Emotional Intelligence: Why it can matter more than IQ*, New York, Bantam Books.

Goleman, D. (1998). *Working with Emotional intelligence*, Bloomsbury Publishing, London.

Kashani, L, Azimi, L, Vaziri, Sh. (2012). *Relationship between Emotional Intelligence and Educational Achievement*, International Conference on Education and Educational Psychology.

Mayer, JD; Salovey, P. & Carso, D. R. (2000). "Competing Models of Emotional Intelligence", *Combridge New York*, PP. 396-420.

Mehdiabadi, F., Arabmofrad, A., Mahfoozi Fard, S. (2016). "Scrutinizing the Relationship between Emotional Intelligence and Academic Performance in Foreign Language Learning", *Journal of Applied Linguistics and Language Research*, Volume 3, Issue 3, pp. 86-101.

Parker, J. D. A., Summerfeldt, L. J., Hogan, M. J., & Majeski, S. (2004). "Emotional intelligence and academic success: Examining the transition from high school to university", *Personality and Individual Differences*, 36, 163-172.

Petrides, K.V., Frederickson, N., & Furnham, A. (2004). "The role of trait emotional intelligence in academic performance and deviant behavior at school", *Personality and Individual Differences*, 36, 277-293.

Rosalind Prabha, M. (2015). "Emotional intelligence as a correlate of academic achievement among first, year degree students in Puducherry", *India International Journal of Current Research and Academic Review*, 3(6):259-263.

Rozell, E. J., Pettijohn, C. E., & Parker, R. S. (2002). "An empirical evaluation of emotional intelligence: The impact on management development", *Journal of Management Development*, 21, 272-289.

Wong, C & Law, KS, (2002). "The effects of leader and follower emotional intelligence on performance and attitude: An exploratory study", *Leadership Quarterly*, 13(3), 243-274.